

دوفصلنامه علمی پژوهشی «پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن»
سال چهارم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، پیاپی ۸
صص ۵۹-۷۶

معناشناسی «بین» در قرآن براساس روابط جانشینی و هم‌نشینی

فاطمه گلی ملک‌آبادی*، محمد خاقانی**، رضا شکرانی***

چکیده

از مهم‌ترین راه‌هایی که امروزه در فهم معنای متون بسیار مورد استقبال ادب‌پژوهان قرار گرفته‌است، تکیه بر اصل روابط هم‌نشینی و جانشینی‌است. پژوهش حاضر به منظور فهم و ترجمه دقیق‌تر قرآن با تکیه بر این اصل سعی دارد معنای ساخت‌ها و کارکردهای مختلف ظرف «بین» را در قرآن کریم مورد بحث و بررسی قرار داده، با روش معناشناسی ساختاری و با استناد بر متون تفسیری و زبانی به شناخت ساخت‌های مختلف نحوی- قرآنی «بین» بر اساس سطوح زبانی پرداخته، و مفاهیم حاصل از ویژگی‌های مختلف هریک از ساخت‌های «بین» در قرآن کریم براساس روابط جانشینی و هم‌نشینی را بررسی نماید. از مهم‌ترین یافته‌های این بررسی، اثبات فقدان معنای مستقل برای «بین» است، چه این واژه صرف‌نظر از مضاف‌الیه آن دارای استقلال معنایی نبوده و به واسطه مضاف‌الیه‌ای که بر دو یا بیشتر دلالت داشته‌باشد، معنادار می‌گردد و این معناداری بر اساس نوع مضاف‌الیه این‌گونه تغییر می‌کند: «خلال» و «وسط» جانشین‌های «بین» به‌شمار می‌روند، اما «وسط» نمی‌تواند دقیقاً جایگزین «بین» گردد؛ در تحلیل روابط هم‌نشینی، دلالت «بین ذلک» بر ویژگی اعتدال و حالتی بینابین میان دو صفت متضاد است، همچنان که «بین أحد» به دلیل قرار گرفتن نکره در سیاق نفی، معنای عموم را به ذهن متبادر می‌سازد و نه مفرد را، که تبادر راه تشخیص معانی حقیقی از معانی مجازی‌است؛ «بین ایدی» نیز با توجه به هم‌نشینی با جهات یا واژه‌ای از ریشه تصدیق معانی متفاوتی به خود می‌گیرد. هم‌چنین علی‌رغم ادعای پیشینیان بر عدم دلالت «بین» بر زمان در قرآن، برخی ساخت‌های هم‌نشینی این نوع دلالت را اثبات می‌کند.

واژه‌های کلیدی

قرآن کریم، ظرف «بین»، معناشناسی، روابط جانشینی، روابط هم‌نشینی.

*دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات عرب دانشکده زبان‌های خارجی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)

goli.malekabadi@gmail.com

**استاد گروه زبان و ادبیات عرب دانشکده زبان‌های خارجی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران mohammadkhaqani@yahoo.com

***استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران shokrani@ltr.ui.ac.ir

تاریخ وصول: ۹۳/۰۷/۰۸ تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۷/۱۲

مقدمه

خداوند برای انتقال پیام وحی از عجیب‌ترین شگفتی انسان، یعنی زبان استفاده نموده؛ فهم درست زبان و ویژگی‌های زبانی، راهنمای دریافت مفهوم عمیق و ترجمه دقیق این کتاب آسمانی است. در این راه به کتب لغت معتبر قریب به عصر قرآن، و ادبیات عربی و مطالعات زبان‌شناسی نیازمندیم. از این رو مفسران و دانشمندان علوم قرآنی از آغاز تا کنون در پرتو شناخت زبان عربی و با استناد به قرائن، سعی در پرده‌برداری از رموز آیه‌ها و غموض آن نموده‌اند؛ اما در عین حال بررسی بسیاری از واژگان و ساخت‌های صرفی و نحوی آن از جمله واژه «بین» نزد ایشان مبتنی بر نظریه خاصی نبوده است.

تمامی قرآن‌پژوهان در همه حوزه‌های علوم اسلامی خواستار فهم معانی قرآن و نیازمند آشنایی با زبان عربی بوده و تلاش برای تحقیق معانی قرآن در سطوح واژگانی، صرفی، نحوی و بلاغی از مهم‌ترین ضرورت‌ها و رسالتی بر دوش پژوهشگران زبان عربی است. از دیگر پژوهش‌های لازم در این زمینه، تحلیل ساخت‌های نحوی قرآن کریم براساس سیاق آیات و برابری آن‌ها در زبان مقصداست.

پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی به تحقیق در روابط هم‌نشینی و جاننشینی ساخت‌های مختلف واژه «بین» در قرآن پرداخته، و با بررسی هر یک در ساخت‌های هم‌سان، به تدوین چارچوبی روشن برای ترجمه آن به زبان فارسی می‌پردازد، تا از این رهگذر به طرحی نو در درک مفاهیم و ترجمه علمی قرآن کریم دست‌یازد.

هدف از این پژوهش شناخت انواع ساخت‌های مختلف نحوی - قرآنی «بین» در راستای ارائه مفهوم

دقیق آن، با تکیه بر پژوهش‌های زبانی و دستوری می‌باشد، و می‌کوشد به این پرسش پاسخ دهد که ویژگی‌های مختلف هریک از ساخت‌های «بین» در قرآن کریم بر اساس تحلیل معناشناسی واژگانی، صرفی و نحوی چه بوده و تأمل در این ویژگی‌ها بر اساس روابط جاننشینی و هم‌نشینی چه مفاهیمی را منتقل می‌نماید؟

تا جایی که بررسی شد، هیچ پژوهش مدوئی درباره ساخت‌های مختلف «بین» در قرآن و معادل‌یابی آن در زبان فارسی نیافتیم. در این مجال بر آن هستیم در مورد ظرف «بین» و معنای آن در قرآن کریم سخن گفته و برخی ساختارهای آن را نیز موشکافی کرده تا به ژرفای معانی قرآن و زیبایی ساختاری آن رهنمون شویم، زیرا به قول سید قطب: «ما می‌توانیم بعد از آن‌که سخن را در میدان گسترده تعبیر و بیان اختصاص دهیم، از این میدان فراتر رفته آن جمال فنی خاص را تماشا کنیم [...] در یابیم که چرا] از لحظه نخستین، قرآن عرب را مات کرد» (قطب، ۱۳۵۹، ص ۳۲ و ۴۲).

۱- معنای «بین» در لغت

«بین»، یکی از قیودی است که به دلیل بسامد بالای آن در متون عربی و مخصوصاً قرآن کریم، از اهمیت بارزی در نحو عربی برخوردار است، که در ابتدا باید معنای لغوی آن مشخص شود، و سپس ویژگی‌های خاص آن بررسی گردد.

مهم‌ترین گام برای درک مفاهیم قرآن، فهم معانی دقیق واژه‌های آن است؛ چه نوع واژگان و چینش خاص آن‌هاست که مفهوم را به شنونده منتقل می‌کند، واضح است که جز با مهارت در علم لغت، راهبرای

تفسیر سوراآبادی در «لَقَدْ تَقَطَّعَ بَيْنَكُمْ» (انعام: ۹۴) مؤید همین معناست: به‌دوستی که بریده گشت پیوستگی و دوستی و هم‌بازی شما. این «بین» به معنی «وصل» بود و اگر «بینکم» به نصب خوانی؛ بریده و گسسته گشت آن دوستی که میان شما بود» (سوراآبادی، ۱۳۸۰ش، ج ۱، ص ۶۹۰)؛ این‌گونه معانی برای «بین» دلالت بر معنای اضداد برای این واژه‌است. شایان ذکر است برخی این معنا را برای «بین» روا ندانسته‌اند و بر این اعتقادند که «پیوستگی و دوستی، برداشتی مفهومی از موقعیت این واژه در آیه است و ترجمه «بین» به حساب نمی‌آید: «تَقَطَّعَ بَيْنَهُمَا»: دوستی آن‌ها قطع شد؛ این سخن تأییدی است بر نظر آنان که مدعی‌اند «این واژه به معنای «وصل» از عرب شنیده نشده و این معنا مجازی است» (أبو حیان، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۵۸۸).

۱-۱-۴. بررسی تضاد معنایی وصل و فصل برای «بین»

با توجه به این‌که به‌نظر می‌رسد «بین» به معنای وصل و فصل در نگاه اول جدید و متفاوت تلقی شود، به توضیح و بیان مصداق می‌پردازیم، تا پذیرش آن با دشواری مواجه نگردد. گرچه واژه «بین» در قرآن ۲۶۴ مرتبه به‌کار رفته‌است، ولی برخی مدعی‌اند در اثبات این تضاد معنایی و از ضدیت معنای آن فقط همینیک مصداق در این کتاب آسمانی ذکر شده که پیرامون آن هم اختلاف زیادی وجود دارد؛ البته با تتبع در آثار قدماء مشخص می‌شود در آیات دیگری نیز این تضاد برداشت شده‌است، همچون:

«وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ مَوْبِقًا» (کهف: ۵۲) که به معنی «تواصلهم فی الدنيا» است و معنای «جَعَلْنَا بَيْنَهُمْ»، یعنی پیوستگی آنان در دنیا هلاکت‌گاه آنان در روز

دانش قرآن و فهم معانی آن نیست و این اصلی است که بسیاری از دانشمندان علوم قرآنی هم‌چون فارابی، به آن اشاره داشته‌اند (لطفی پورساعدی، ۱۳۷۳، ص ۸۰). از این‌رو در راه ترجمه قرآن براساس پژوهش‌های دقیق زبان‌شناسی، استمداد از فرهنگ لغت‌های قرآنی هر چه نزدیک‌تر به عصر قرآن ضروری است؛ چه آن‌که دامنه این علوم در دوره‌های بعد «روز به روز به تناسب گسترش علوم و معارف گسترش یافته و دانش‌ها و اندوخته‌های علمی خویش را نیز با خود به همراه می‌آوردند» (معرفت، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۳۹۴)؛ از این‌رو از اصالت معنا کاسته می‌شود و دریافت معانی واژگان با دقت انجام نمی‌شود.

۱-۱-۱. معانی اساسی ذکر شده برای «بین» در کتب لغت
۱-۱-۱. «میان دو چیز و وسط آن‌ها، حدّ فاصل میان دو چیز» (راغب اصفهانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۲۸؛ ابن فارس، ۱۹۹۱، ج ۴، ص ۴۶۱؛ ابن منظور، ۱۴۰۸؛ ج ۱۳، ص ۷۰)

۱-۱-۲. «دوری، جدایی و انفصال؛ جدایی میان چیزها» (ابن فارس، ۱۹۹۱، ج ۴، ص ۴۶۱، ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۱۳، ص ۷۰)

۱-۱-۳. «آشکاری، وضوح و کشف و برملا شدن چیزی» (ابن فارس، ۱۹۹۱، ج ۴، ص ۴۶۱ و فیومی، بی‌تا، ج ۲، ص ۷۰)

۱-۱-۴. «اضداد» بودن، منظور دلالت هم‌زمان بر جدایی و وصل، اتصال و فراق و دوری است (ابن قتیبه، بی‌تا، ص ۱۳۷؛ غرناطی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۲۶۹؛ فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۸، ص ۳۸۱؛ فیروزآبادی، ۲۰۰۸م، ص ۱۴۶؛ فیومی، بی‌تا، ج ۲، ص ۷۰؛ مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۳۶۶)

با توجه به معانی ذکر شده، نهایتاً این نکته مستفاد می‌گردد که ترجمه برداشت شده از هر واژه دقیقاً منوط به سیاق کلام و ذهنیت افراد پیرامون مطلب عنوان شده‌است و هر یک از مفسران با توجه به برداشت معنایی خود از محتوای سوره و آیات قبل و بعد چنین معنایی را ارائه می‌نمایند و در حقیقت معنای اضداد با توجه «برداشت روانی افراد از آن واژه و موقعیت خاص آن در جمله می‌باشد، و نیز به سنجش دلالت الفاظ و معانی روانی آن بر افراد در حوزه‌های رفتاری متفاوت بر می‌گردد» (عمر، ۱۳۸۰ش، ص ۴۴). و شاید به همین دلیل است که «عبدالقاهر نیز شرط زیبایی را به کاربردن الفاظی می‌داند که مردم در استعمال با آن آشنا بوده و در زمان‌شان متداول باشد (برکات، ۲۰۰۰م، ص ۲۴۳). در خاتمه این مبحث به خلاصه معانی متبادر از «بین» اشاره می‌شود؛ ضمن این‌که این معانی هرگز عمومیت نداشته، چه بسا برداشت‌هایی خاص در برخی عبارات مشخص، سبب تبادر چنین مفاهیمی شده باشد؛ که باید در جایگاه روابط هم‌نشینی بررسی شود.

قیامت است» (فراء، ۱۹۸۳م، ج ۲، ص ۱۴۷ و ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۱۳، ص ۶۷)
 «هَذَا فِرَاقٌ بَيْنِي وَ بَيْنِكَ» (کهف: ۷۸)؛ «بین» را «به معنی الوصل» دانسته‌اند (نیشابوری، ۱۴۱۶ق، ج ۴، ص ۴۵۲؛ رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۲۱، ص ۴۸۹)
 «بَلَّغًا مَجْمَعٌ بَيْنَهُمَا» (کهف: ۶۱) معنای وصل بارز است (زجاج، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۳۳)
 «وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ» (انفال: ۱) بین به معنای وصل بوده و به صورت (حقیقت وصل و اتصال) معنا می‌شود (زجاج ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۴۴۲)
 این همه توارد معنای وصل، مانع از آن می‌شود که به سادگی از آن گذشت و آن را نادیده گرفت. شاید این احتمال هم وجود داشته باشد که مضاف‌الیه واقع شدن «بین» معنای وصل ایجاد می‌کند؛ همچنان که «بین» در کنار فعل معلوم و فاعل مرفوع آن: ظرف منصوب و مبنی و غیر متصرف شده و در کنار فعل معلوم، فاعل و مرفوع و معرب و متصرف می‌شود؛ مانند: «لَقَدْ تَقَطَّعَ بَيْنَكُمْ» (انعام: ۹۴)؛ و در کنار فعل مجهول نایب فاعل و مرفوع و معرب و متصرف می‌شود؛ مانند: «وَ حِيلَ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ» (سبأ: ۵۴).



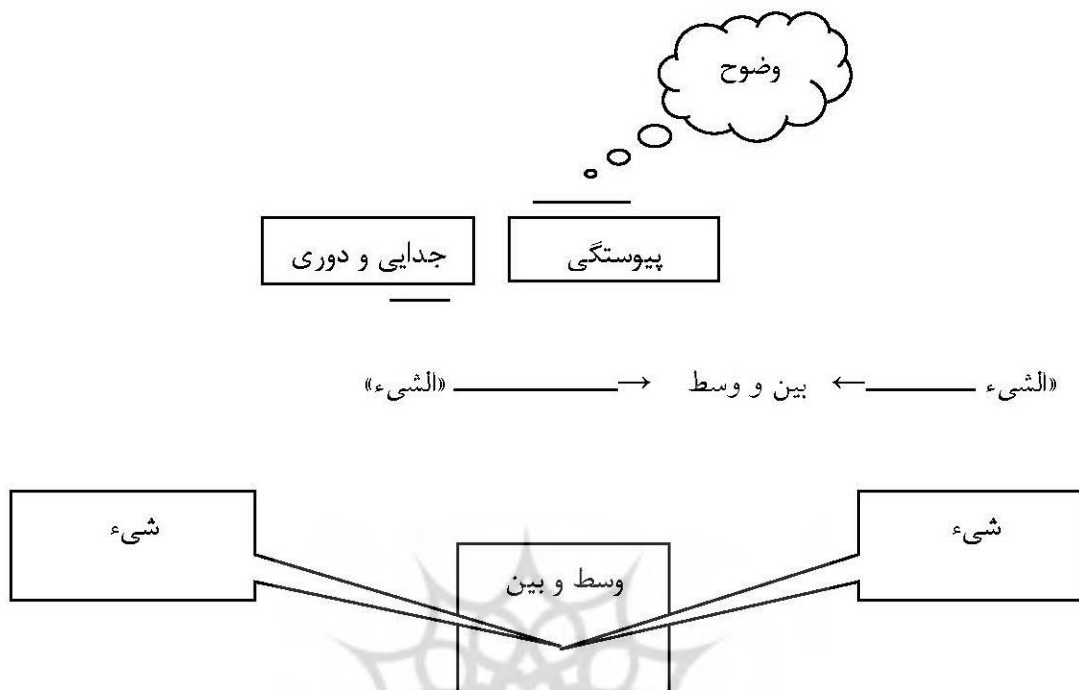
اتصال + انفصال : ← وضوح

اتصال:
پیوستگی

وضوح

انفصال: جدایی و دوری

پیوستگی + جدایی و دوری : ————— ← وضوح



شکل ۱: معانی بیان

به معنای در حضور و در میان، و مفتوح است. (راغب، ج ۱، ص ۳۲۸).

«بین» در مجاورت و هم‌نشینی با اسمی که دال بر مکان کند، ظرف مکان است و بر حسب مضاف‌الیه آن، یعنی در کنار و جوار دلالت بر ظرف زمان است و... اما پندار رایج این است که اصل «بین» باید برای ظرف مکان باشد، ولی گاهی بر زمان هم دلالت دارد، مانند سخن معروف عرب که می‌گوید: «بین المغرب و العشاء یفعل الله ما یشاء»؛ بین زمان مغرب و عشاء خداوند هر آنچه را خواهد انجام می‌دهد (سیوطی، ۱۳۲۷ش، ج ۱، ص ۲۱۱).

مثال‌هایی که برای دلالت «بین» بر زمان از علمای نحو بیان شده است، عباراتی چون: «بین المغرب و العشاء یفعل الله ما یشاء» و «أزورک بین العصر و

۲- ظرف «بین» و کاربرد آن در مکان یا زمان

ظرف (مفعول‌فیه) در اصطلاح نحوی اسمی منصوب و در بردارنده معنای «فی» است که بر زمان و مکان وقوع فعل دلالت می‌کند؛ ابن‌مالک در الفیه به شایع بودن وجود معنای «فی» در تمامی ظروف تصریح می‌کند: «ظرف واژه‌ای است که بر وقت یا مکان دلالت دارد به شرط آن که متضمن معنای «فی» باشد؛ مانند: «این‌جا مدتی درنگ کن»؛ که «این‌جا» بر مکان و «مدتی» بر زمان دلالت دارد» (ابن‌مالک، بی تا، ص ۴۵ و ابن‌عقیل، ۱۹۷۲م. ج ۱، ص ۴۰۸). «بین» ظرفی است که به صورت ظرف زمان و مکان به کار می‌رود، و هرگاه به مکان اضافه شود ظرف مکان است: «فَاحْكُم بَيْنَنَا بِالْحَقِّ» (ص: ۲۲)؛ بین: ظرف مکان،

پورجوادی، برزی، انصاریان، روشن، سراج، فولادوند، و تفاسیر جوامع‌الجامع، تفسیر آسان، حجه‌التفاسیر، و روض‌الجنان نام برد.

«لَنْ تُؤْمِنَ بِهَذَا الْقُرْآنِ وَلَا بِالَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ» (سبأ: ۳۱)

هرگز به این قرآن و به (انجیل) که قبل از قرآن آمده‌است، ایمان نخواهیم آورد؛ «الذی بین یدیہ: ما نزل قبل القرآن من کتب اللہ»: مراد از «بِالَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ» کتب آسمانی قبل از قرآن، یعنی تورات و انجیل است (زمخشری، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۵۸۴)؛ «قرآن و کتاب‌های پیش از آن» (طباطبایی، ج ۱۶، ص ۵۷۶)؛ بِالَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ کتب‌های آسمانی گذشته‌است مانند تورات و انجیل که مشرکان به هیچ یک عقیده نداشتند، در قرآن مجید از تورات و انجیل مکرراً با «بِالَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ» تعبیر آمده‌است (قرشی، ۱۳۷۷ش، ج ۸، ص ۴۴۳).

«إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَ مُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ» (الصف: ۶)؛ «تورات را که قبل از من نازل شده تصدیق دارم» تورات که قبل از انجیل بوده، با بینیدی بیان شده، در مقابل رسول بعدی، أحمد قرار داده‌است و روابط هم‌نشینی و تقابل با «مِنْ بَعْدِي» این مطلب را واضح‌تر می‌کند، نیز تفاسیر مختلف بر این امر صحنه نهاده‌اند که منظور از «بینیدی» در آنها «قبل» است: (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۹، ص ۴۲۶)؛ «أخبر أنه مصدق لما تقدم من كتب الله الإلهية» (ابوحیان، ۱۴۲۰ق، ج ۱۰، ص ۱۶۶)؛ «مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ: قبلی و مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ، أي مُصَدِّقًا لِمَا قَبْلِي مِنَ التَّوْرَةِ» (سیوطی و محلی، ۲۰۰۴م، ص ۵۵۵) «مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ: باور دارنده آن‌را که از پیش من بود از تورات» (سورآبادی، ۱۳۳۸ش، ج ۴، ص ۲۵۹)

الاصیل» بوده و بر اساس ادعای نحویان و قرآن‌پژوهان «از قرآن برای ظرف زمان، مثلی پیدا نشده‌است» (قرشی، ۱۳۷۱ش، ج ۱، ص ۲۵۵)؛ تاکنون نیز کسی از ایشان برای دلالت بین بر زمان به آیات قرآنی مثال نزده‌است، علی‌رغم آن‌که این مدعا صحیح نمی‌باشد و اگر نیک بنگریم متوجه خواهیم‌شد نمونه‌های دلالت «بین» بر مکان در قرآن فراوان بوده، و این‌که نحویان در هنگام مثال‌زدن برای بین زمانی به قرآن‌کریم استشهاد نکرده‌اند، نیز محل تامل است، زیرا نمونه‌های ذکر شده در آیات زیر دلالت بین را بر زمان تبیین می‌نماید:

«وَعَادًا وَ ثَمُودَ وَأَصْحَابَ الرَّسِّ وَ قُرُونًا بَيْنَ ذَلِكَ

كَثِيرًا» (الفرقان: ۳۸)

مسلم است که مقصود آیه اقوامی است که در زمان‌های ما بین این اقوام یاد شده زندگی کرده‌اند؛ به‌عنوان نمونه خسروی این‌گونه ترجمه کرده‌است: «و اقوامی بسیار در فاصله بین (قوم نوح و عاد و ثمود تا اصحاب رس) را هلاک‌ساختیم». عبدالحجت نیز در حجه‌التفاسیر ذیل آیه آورده‌است: «و اقوام بسیاری را که بین موسی و نوح بودند...»

«وَمَا نَنْزِلُ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّكَ لَهُ مَا بَيْنَ أَيْدِينَا وَمَا خَلْفَنَا وَمَا بَيْنَ ذَلِكَ وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا» (مریم: ۶۴): آنچه پیش روی ما، و پشت سر ما، و آنچه میان این دو است، همه از آن اوست؛ آیه از تأخیر در نزول وحی و اذن آن در زمانی که اراده خداوند قرار بگیرد، سخن می‌گوید؛ این نیز مثالی قرآنی است که «بین» بر زمان گذشته و آینده دلالت می‌کند. گواه این مدعا نیز اکثر تفاسیر و ترجمه‌های قرآنی است که صراحتاً به زمان گذشته و آینده و قبل و بعد اشاره کرده‌اند، در این میان می‌توان از ترجمه‌های الهی قمش‌های،

دو اصطلاح چنین است: اگر واحدها به جای هم قرار گیرند روی محور جانشینی و اگر کنار هم قرار گیرند روی محور هم‌نشینی هستند، این دو «مانند تار و پودی هستند که ساخت و بافت کلام را در حوزه معنایی خاص به وجود آورده‌اند» (احمدی، ۱۳۸۰ش، ص ۲۰).

۳-۱. «بین» در روابط جانشینی

در ساخت جمله، رابطه جانشینی حکم فرماست و به تبع جای‌گزینی اجزای مختلف، جمله هم دگرگون می‌شود؛ رابطه جانشینی، یعنی «بین هر یک از عناصر تشکیل دهنده یک ساختار دستوری با سایر عناصری که ممکن است در یک خط عمودی به جای آن در یک ساخت قرار گیرند، نوعی رابطه جانشینی برقرار است» (محمدپور، ۱۳۹۰ش، ص ۱۲۷)؛ رابطه جانشینی با مطالعه واژه‌هایی مشخص می‌گردد که بتوانند جایگزین همدیگر شوند. واژگان مترادف، می‌توانند بینش‌های با ارزشی در مورد روابط جانشینی و واژه با دیگر واژگان زبان به دست دهند.

اقلام واژگانی به شرطی مترادف (هم‌معنا) دانسته می‌شوند که بتوانند بدون ایجاد تغییری عمده در معنای جمله به جای یکدیگر قرار گیرند (ایزوتسو، ۱۳۶۰ش، ص ۱۹۶ و صفوی، ۱۳۸۳ش، ص ۱۰۶) اما ممکن است نتوانند در رابطه جانشینی به جای یکدیگر به کار روند؛ مثلاً گرچه «کج» و «منحرف» هر دو مترادف هستند، در رابطه جانشینی (این دیوار کج است) نمی‌توان به جای کج، منحرف را جای‌گزین کرد؛ نیز همانطور که توضیح داده خواهد شد «وسط»، «خلال» و «بین» گرچه مترادف

«مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ فِي حَالِ تَصَدِيقِي لِمَا تَقَدَّمَنِي» (کاشانی، ۱۴۲۳ق، ج ۷، ص ۴۵). می‌توان مثال‌های قرآنی دیگری هم چون این آیه شریفه را دال بر زمان دانست، که در این مجال به مقدار ذکر شده اکتفا می‌کنیم.

۳-۲ «بین» در کاوش زبان‌شناسانه و معناشناسانه

معناشناسی، علمی است که می‌تواند در شناخت مفهوم صحیح آیات قرآن کریم، نقش ارزنده‌ای ایفا کند؛ در این دانش، حوزه معنایی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ اشتراک در یک شرط لازم، سبب طبقه‌بندی واژه‌ها در یک حوزه معنایی می‌گردد، که واحدهای یک نظام معنایی را تشکیل می‌دهند؛ چنین واحدهایی به دلیل ویژگی مشترک‌شان، هم‌حوزه به حساب می‌آیند. (ایزوتسو، ۱۳۶۰ش، ص ۹۷ و احمدی، ۱۳۸۰ش، ۶۴ و صفوی، ۱۳۸۳ش، ص ۱۸۹ - ۱۹۰)؛ برای مثال واژه‌های بین، میان و وسط، همه در جهت دلالت بر مکان وسط مشترکند؛ از این جهت می‌توان آن‌ها را در «حوزه معنایی ظرف مکان درون بودن» جای داد؛ ولی مثلاً واژه «وسط» به دلیل نداشتن چنین ویژگی در این حوزه معنایی خاص، جای ندارد.

ساخت، به معنی «واحدهایی است که یا کنار هم و یا به جای هم قرار می‌گیرند» (صفوی، ۱۳۸۳ش، ص ۱۰۶). هر متن از واژگان و عباراتی تشکیل شده که ساختار آن را به وجود آورده، همه آن‌ها در یک شبکه معنایی حرکت می‌کنند؛ وحدت و انسجام آن نیز بر اثر تناسب درونی بین اجزا به وجود می‌آید که می‌توان آن‌را در دو محور جانشینی و هم‌نشینی بررسی کرد، پس انواع روابط ساختاری در جمله بر دو نوع است: رابطه هم‌نشینی و رابطه جانشینی. صورت ساده این

محسوب می‌شوند، نمی‌توانند در همه موارد، جانشینیکدیگر شوند.

۳-۱-۱. جانشینی «بین» با «وسَط» و «وسَط»

حقیقتاً «بین» را برای مکان متوسط «بین» دو چیز می‌آورند و اصولاً باید به صورت ظرف مکان برای فعل استعمال کنند، لکن گاهی فقط افاده مکان متوسط می‌کند که یا به صورت مضاف‌الیه «مَجْمَع بَيْنَهُمَا» (کهف: ۶۱) و «شَهَادَةٌ بَيْنَكُمْ» (مائده: ۱۰۶)؛ یا غیر از اضافه «لَقَدْ تَقَطَّعَ بَيْنَكُمْ» (أنعام: ۹۴) (با قرائت رفع بین) آورده می‌شود (ابن عاشور، ج ۱۵، ص ۱۰۳). «وسَط» و «وسَط» (وسط ساکن الوسط و متحرک الوسط) نیز هر دو از ظروف مکانی است، «بَيْن» را نیز به معنی «وسَط» آورده‌اند: «جَلَسْتُ بَيْنَ الْقَوْمِ ... وَسَطَ الْقَوْمِ، بالتخفيف» (سیوطی، ۱۹۹۸م، ج ۲، ص ۱۱۴ و ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۱۳، ص ۶۷)؛ البته باید توجه داشت این امکان در همه جا صدق نمی‌کند، و همان‌گونه که قبلاً هم اشاره شد، گاهی واژه‌های هم معنا به‌طور مطلق جایگزین یکدیگر نمی‌شود؛ زیرا جهان‌دیده را نمی‌توان با گیتی‌دیده و جهان‌بینی را نمی‌توان با دنیابینی جایگزین نمود.

در عبارت «وسَطُ رَأْسِهِ صُلْبٌ»: وسط سرش محکم است، چون محکم بودن وسط سر مطرح است و جزء خود سر است، «وسَط» نمی‌تواند ظرف محسوب شود و قابل جایگزینی با «بین» نیست، ولی «وسَطُ رَأْسِهِ دُهْنٌ» وسط سرش روغن است؛ چون روغن جزئی از خود سر محسوب نمی‌شود، وسط به حکم ظرف بودن منصوب است و می‌توان به‌جای آن از «بین» هم استفاده نمود؛ «وسَطُ رَأْسِكِ صُلْبٌ لِأَنَّهُ اسْمٌ غَيْرُ ظَرْفٍ» (راغب، ۸۶۹ و ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۱۳: ۶۷)؛

میان سرت محکم است، چون «وسَط» اسم است و دیگر ظرف نیست؛ از این رو هر جا بتوان «بین» آورد، آوردن «وسَط» جایز است و اگر نتوان «بین» آورد، «وسَط» می‌آوریم؛ پس بر خلاف «بین»، «وسَط» آنگاه کاربرد دارد که میان و جزء شیء باشد و از خود شیء محسوب شود؛ رابطه میان «بین» و «وسَط» از نوع تطابق است و رابطه بین این دو با «وسَط» عموم و خصوص من وجه است، از جهت معنا تطابق دارند و از جهت استعمال تباین دارند.

در اصل آنچه می‌تواند در زبان عربی مترادف با «بین» به‌شمار آید «وسَط» با سکون «سین» است که دقیقاً با «بین» از سه نظر (وزن، لفظ و در معنای مفعول‌فیه بودن) برابر است؛ معنای ظرفیت در «بین» و «وسَط» مشترک بوده، هر دو ملازم ظرفیت بوده، بر فاصله میان دو مکان یا زمان دلالت دارد و از نظر لفظ نیز هر دو بر آنچه جزء شیء نباشد دلالت دارند، یعنی اگر «میان» از اجزاء آن نباشد و قسمتی از مضاف‌الیه محسوب نگردد، باید از «بین» یا «وسَط» به صورت ساکن‌الوسط ذکر شود و ظرف محسوب می‌شود؛ مانند: وسَطُ الْقَوْمِ، برای همین است که برخلاف «وسَط»، باید مانند «بین» و اکثر ظروف دیگر (خلف، بعد، قبل، ... بر وزن «فَعَلَ» آمده، همیشه ظرف غیر متصرف بوده، نقش دیگری نمی‌پذیرند) (ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۱۳، ص ۶۸ و سیوطی، ۱۹۹۸م، ج ۲، ص ۱۱۵).

در «بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا» (اسراء: ۱۱۰) چون از عدم بلندکردن صدا در نماز و عدم اختفاء آن و بلکه برگزیدن راهی در این میانه سخن می‌گوید نیز «بین» به معنای «وسَط» است (ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۱۳، ص ۶۶ و طریحی، ج ۶، ص ۲۱۷)؛ در تکمیل مطالب

ابرها خارج می‌شود (راغب. بی تا، ۲۹۰ و طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۵، ص ۳۶۴ و فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۱۴۰ و قرشی، ش ۱۳۷۱. ج ۲، ص ۲۹۶)؛ «فَجَاسُوا خِلالَ الدِّیَارِ...» (الإسراء: ۵)؛ کاوش می‌کنند میان خانه‌ها را، خلال الدیار به معنای بین الدیار است: پیرامون شهرها یا میان خانه‌های آن، نیز در آیه دیگری از سوره اسراء واژه «خلال» به همین معنی آمده است: «أَوْ تَكُونَ لَكَ جَنَّةٌ مِنْ نَخِيلٍ وَعِنَبٍ فَتُفَجَّرَ الْأَنْهَارَ خِلالَها تُفَجِّرُها» (إسراء: ۹۱).

«خلال» در روابط جانشینی می‌تواند به جای «بین» و «وسط» قرار گیرد: «وَأَضْرَبَ لَهُمْ مَثَلًا رَجُلَيْنِ جَعَلْنَا لِأَحَدِهِمَا جَنَّتَيْنِ مِنْ أَعْنَابٍ وَحَفَفْنَاهُمَا بِنَخْلٍ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمَا زَرْعًا * كَلْتَا الْجَنَّتَيْنِ آتَتْ أَكْلُها وَ لَمْ تَطْلُمْ مِنْهُ شَيْئًا وَ فَجَّرْنَا خِلالَهُما نَهْرًا» (الکهف: ۳۲ - ۳۳) که این واژه از نظر مفسرین در این آیه مفعول‌فیه واقع شده است: «و انتصب خِلالَهُما علی الظرف ای وسطهما» (ابوحیان، ۱۴۲۰ق، ج ۷، ص ۱۷۵). در این دو آیه، از دو واژه «بین» و «خلال» به تناسب معنای منظور پروردگار استفاده شده است. نیز در آیه: «أَمَّنْ جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا وَ جَعَلَ خِلالَها أَنْهَارًا وَ جَعَلَ لَها رِوِاسِيًا وَ جَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا أَلِلهُ مَعَ اللّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» (النمل: ۶۱) جانشینی این دو واژه تجلی نموده است.

۲-۳. «بین» در روابط هم‌نشینی

رابطه هم‌نشینی، یعنی رابطه‌ای که بر اساس آن عناصر زبانی کنار هم قرار می‌گیرند و زنجیره‌ها و سازه‌های بزرگتر را به وجود می‌آورند مثلاً در جمله «دوست من زبان‌شناسی می‌خواند» واژه «دوست» در کنار «من» گروه اسمی «دوست من» را پدید آورده است.

یاد شده، ذکر این نکته ضروری می‌نماید که اگر وسط با حروف جر همراه شد از ظرفیت خارج شده و اسم است و دیگر ظرف نیست؛ مانند: «سِرَّتْ مِنْ وَسَطِ الدار»: از وسط خانه رفتم؛ همین مطلب را می‌توان در مورد «بین» هم استنتاج کرد که همراهی آن با حرف جر باعث خروج آن از ظرفیت و ورود به ساحت اسم است و در روابط هم‌نشینی (۲-۲-۱) به آن پرداخته خواهد شد.

«بین» مانند «وسط» و «خلال» صفت واقع می‌شود (این منظور، ۱۴۰۸ق. ج ۱۳، ص ۶۷)؛ نکته قابل توجه این است که هر چند «بین» و «خلال» قابلیت این معنا را دارد، اما در آیات قرآنی صفت واقع نشده‌اند، حال آن‌که در آیه شریفه «وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا» (بقره: ۱۴۳) واژه «وسط» صفت برای «أُمَّة» قرار گرفته که همان «میان» و حد وسط و معتدل قرار گرفتن است، چنان‌چه اکثر قریب به اتفاق مترجمان (بیش از نود در صد از ایشان؛ مانند: انصاریان، پاینده، ارفع، برزی، بروجردی، پورجوادی، فولادوند، کاویانپور، گرمارودی، مجتبوی، روشن، عاملی) هم این‌گونه ترجمه نموده‌اند.

۳-۱-۲. جانشینی «بین» با «خلال»

اصل واژه «خلال» از خلل (بر وزن فرس) به معنای گشادگی میان دو چیز گرفته شده است که جمع آن خلال است و چنان‌که ابن‌اثیر در نهاییه گفته است به معنی «وسط» به سکون «سین» به کار رفته و خود ظرف مکان است؛ «وَلَا أُوصِعُوا خِلالَکُمْ بَبُوعِنَکُمْ الْفِتْنَةَ» (توبه: ۴۷)؛ میان شما اراجیف می‌ساختند و فتنه‌جوئی می‌کردند؛ «فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلالِها» (نور: ۴۳؛ روم: ۴۸)؛ می‌بینی باران را که از میان

بَينِنَا» (ص: ۸) و «أَهْوَلَاءِ مَنْ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنْ بَيْنِنَا» (أنعام: ۵۳)، یعنی از میان همه ما؛ زیرا بر خلاف دیگر ظروف آمدن «من» معنای «بین» را تغییر می‌دهد؛ چنان‌که فرق دارا بودن معنای «فی» یا نداشتن آن تفاوت «بین» و «من بین» می‌باشد که در این آیات شریفه نیز آشکار است:

در آیه «فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ» (مریم: ۳۷) دخول حرف جر معنای متفاوتی ارائه می‌دهد؛ «گروه‌هایی از میان پیروانش اختلاف کردند»؛ حال آن‌که اگر «من» نبود، این احتمال وجود داشت که گروه‌های اختلاف برانگیز غیر این احزاب بوده و از خارج ایجاد اختلاف می‌نموده‌اند و با آمدن این حرف جر، یقیناً برداشت این است که این احزاب از درون با یکدیگر اختلاف پیدا کردند.

«تُسْقِيكُمْ مِمَّا فِي بُطُونِهِ مِنْ بَيْنِ فَرْثٍ وَ دَمٍ لَبْنًا خَالِصًا» (النحل: ۶۶) از شکم چهارپایان، از میان ناپاکی و خون، شیر خالص به شما می‌نوشانیم؛ واضح است در این جا معنای حاصل از ورود «من»، تفاوت بارزی با عدم ورود آن (و دارا بودن معنای فی) دارد و موجب شده که «بین» از ظرفیت فاصله گرفته و به جای معنای در وسط معنای از درون و داخل بدهد، و این‌که اگر آیه بدون «من» آمده بود، نمی‌توانست به صورت بدل برای «مِمَّا فِي بُطُونِهِ» واقع شود و مفهوم اعجاز خداوندی مبنی بر خروج شیر خالص سفید از بین آلودگی و خون قرمز را برساند.

با دقت در آیه «يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ» (الطارق: ۷) آبی که از میان پشت و سینه‌ها خارج می‌شود؛ اهمیت این حرف جر بیشتر آشکار می‌گردد، زیرا «من» به منشأ این آب اشاره دارد و اگر نبود احتمال این‌که به محل خروج اشاره داشته باشد،

رابطه هم‌نشینی میانواحد‌ها، در جمله ایجاد می‌شود که همگی مستقیماً در یک ساخت (جمله) حضور دارند، محور هم‌نشینی، بر قواعد ساختاری زبان استوار است، و محور دستور و تجلی قواعد دستوری قلمداد می‌گردد و اختلال در روابط هم‌نشینی موجود میان واحد‌های هر ساخت سبب می‌شود که ساخت جمله ناسازگردد (صفوی، ۱۳۸۳ش، ص ۱۸۹ - ۱۹۰). از آن جا که جمله‌های قرآن به عنوان یک زنجیره کلامی، متصل به هم فرض شده است، لذا کنار هم قرار گرفتن واژگان خاص، معنایی ویژه به همراه دارد که باید به آن توجه داشت.

۳-۲-۱. ساختار «من بین»

با بررسی هم‌نشینی واژگان قرآن مشخص می‌شود که چپش آن‌ها ارتباط و حکمتی دارد که شایسته است بر اساس اصول و روش‌هایی ظرافت این هم‌نشینی را دریافت. گفته شد که «وسط و بین» با اضافه شدن حرف جر از ظرفیت فاصله می‌گیرند؛ در حالی که ظروف دیگر اصولاً با ورود حرف جر از معنای ظرفیت خارج نمی‌شوند و فرق چندانی میان نصب به عنوان مفعول‌فیه آن با مجرور شدن به حروف جر وجود ندارد.

هنگام ترجمه دیگر ظروف، هم می‌توان بدون لحاظ کردن حرف جر، و هم با در نظر گرفتن آن به ترجمه صحیح پرداخت، اما با ورود «من» جاره بر سر «بین» به معنای متفاوتی نسبت به قبل از دخول آن می‌رسیم، چه آن‌که دربر داشتن معنای «در» (تضمن معنای «فی») از آن ساقط می‌گردد و در قرآن نیز «من» بر سر «بین»، زائده واقع نشده و دارای معنای خاصی است: «مِنْ بَيْنِنَا» در «أَنْزَلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ مِنْ

اصطلاحی است که به حقیقت احوال عَدَاوَةٌ و بَغْضَاءِ تصریح می‌کند (مصطفوی، ۱۳۶۰ش، ج ۱، ص ۳۶۶ و طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۱، ص ۱۵۳) و (إِصْلَاحِ ذَاتِ الْبَيْنِ) نیز به معنی آشتی و فرونشاندن همان آتش اختلاف است (فیومی، بی تا، ج ۲، ص ۷۰).

در بحث از معانی «بین» به ذکر تأثیر روابط هم‌نشینی در تداعی معانی جدید و برداشت‌هایی خاص از عبارات اشاره شد؛ چنانچه شاید معنی «دشمنی و فساد» که برای «بین» ذکر گردید، هر دو از اصطلاح «ذَاتُ الْبَيْنِ» به ذهن متبادر گشته باشد به این صورت که «دشمنی» در مقابل «إِصْلَاحِ ذَاتِ الْبَيْنِ» که به معنی آشتی است، می‌باشد و نیز معنی «فساد» از تقابل با «اصلاح» در همین اصطلاح به دست آمده است.

گاه این اصطلاح (ذَاتُ الْبَيْنِ) بدون (ذات) نیز آمده «أَوْ إِصْلَاحِ بَيْنِ النَّاسِ» (نساء: ۱۱۴) که در همین معنا کاربرد داشته است (قمی، ۱۳۶۸ش، ج ۳، ص ۵۳۸): با محبت آن‌ها را الفت دادن؛ (هویدی، بی تا، ج ۱، ص ۲۵۳ و طبرسی، ۱۳۷۷ش، ج ۱، ص ۲۸۸)، و این مسأله در واقع مربوط به تأثیر متقابل واژه‌های محور هم‌نشینی است که توانسته سبب انتقال معنی واژه‌ها به همدیگر و حذف برخی از آن‌ها شود.

۳-۲-۳. ساختار «بین یدی- بین ایدی»

معنای تحت‌اللفظی این ترکیب، میان دست‌هاست، ولی از آن اراده «نزدیکی» می‌شود، گاه واژه‌هایی که روی محور هم‌نشینی کنار هم هستند، بر معنای یکدیگر تأثیر می‌گذارند در چنین شرایطی درک مفهوم جمله تنها از طریق بافت موقعیتی امکان‌پذیر است. «بین یدیه» را (آنچه در پیش باشد چه نزدیک، چه دور و

وجود داشت. از این‌رو «بین» مانند دیگر ظروف (هم‌چون قبل و بعد) نیست که در حذف یا ذکر حرف جر جواز وجود داشته‌باشد و نباید هنگام ترجمه از ارائه برابر نهاده «من» غفلت ورزید. عکس آنچه تا کنون بیان شد نیز در آیات زیر صادق است:

«فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ» (البقره: ۱۱۳)؛ خداوند میان ایشان داوری می‌کند.

«وَتُصْلِحُوا بَيْنَ النَّاسِ» (البقره: ۲۲۴)؛ میان مردم صلح برقرار کنید.

«تَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ» (التوبة: ۱۰۷)؛ و تفرقه‌اندازی بین مؤمنان.

مسئله «داوری»، «اصلاح» و «تفرقه» میان مردم صورت می‌گیرد، نه از میان مردم، پس چنانچه غیر این ترجمه گردد، محتاج باز نگری است. البته به‌طور یقینی می‌توان بخشی از این تفاوت را حاصل از کاربرد فعل‌های متفاوت با حرف جر خاص و همراه با «بین» دانست، به دیگر سخن هرگز نمی‌توان در مورد فعل «يَحْكُمُ» یا «يُصْلِحُ» یا «يَفْرُقُ» به جای «بین» از «من بین» استفاده نمود.

۳-۲-۲. ساختار «ذَاتُ الْبَيْنِ»

اصطلاح «ذَاتُ الْبَيْنِ» را به «نسب، خویشاوندی، دوستی، پیوستگی» ترجمه کرده‌اند و «سَعَى فِي إِصْلَاحِ ذَاتِ بَيْنِهِمْ» نیز به معنای «در اصلاح و آشتی دادن آن‌ها کوشید» به کار رفته است و در آیه «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ» (انفال: ۱) منظور از «بین» که با سه قرائت رفع و نصب و جر خوانده شده است، احوال و روابط میان افراد است (راغب، بی تا، ص ۱۵۷)؛ یعنی رعایت حالات خویشاوندی، وصلت و محبتی که شما را گرد آورده است، بنمائید؛ پس (ذَاتُ الْبَيْنِ)

گذشته) دانسته‌اند. امام صادق (ع) درباره آیه «اتَّقُوا مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَ مَا خَلْفَكُمْ» (یس: ۴۵) فرموده‌اند: بترسید از گناهانی که فعلاً می‌کنید و از عقوبتی که در پس دارید (طبرسی، ۱۳۷۷ش، ج ۱، ص ۲۸۸). اصولاً «بین یدی یا بین ایدی» در آیات مختلف، با جهات شش‌گانه مخصوصاً «خلف» تقابل پیدا کرده‌است و بدیهی است که در این صورت بر جهت مشخصی دلالت می‌کند، پس به معنای «جلو» کاربرد دارد؛ و اگر با «تصدیق» همراه گردید، مشخصاً بر کتاب‌های الهی و بر رسولان پیشین دلالت دارد:

«مِن بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا» (یس: ۹)؛
 «اتَّقُوا مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَمَا خَلْفَكُمْ» (یس: ۴۵)؛ «وَقَدْ خَلَّتِ النَّذْرُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ» (الأحقاف: ۲۱)؛
 چنان‌که ملاحظه می‌شود از «بینیدی - بین ایدی» در این آیات نزدیک و حاضر اراده شده، ولی در آیه «مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ» (مائده: ۴۶ و ۴۸) و آیه «إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيِ مِنَ التَّوْرَةِ وَ مُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنَ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدٌ» (الصف: ۶) و نظائر آن، کتاب‌های سلف و رسولان گذشته مراد است که پیش از قرآن بوده‌اند، و نزدیک و پیش رو بودن لازم نیست (قرشی، ۱۳۷۱ش، ج ۱، ص ۲۵۷).

۳-۲-۴. ساختار «بین» + «أحد» + «من بیانیه»، به معنای هیچ‌یک (هیچ‌کدام)

بیان شد که مضاف‌الیه «بین» باید بر دو یا بیشتر دلالت داشته‌باشد، پس «بین أحد» در آیات زیر الزاماً در حکم بیش از یک نفر می‌باشد: «لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ» (بقره: ۲۸۵)؛ «وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَمْ يَفَرِّقُوا بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ» (نساء: ۱۵۲)؛ «لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ

مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ» (بقره: ۱۳۶ و آل عمران: ۸۴)؛ لذا علی‌رغم دلالت «أحد» بر مفرد، مسلماً مقصود از «أحد من رسله» یکی از پیامبران، جمع ایشان است و اطلاق لفظ به‌صورت مفرد بوده و منظور از آن جمع است، نه مفرد؛ هنگام ترجمه نیز باید به این شیوه برابر نهاده گردد: «میان هیچ‌یک (هیچ‌کدام) از پیامبران»، تفاوتی قائل نمی‌شویم.

در قواعد علم آمده‌است که نکره در سیاق منفی (مانند لَا نُفَرِّقُ + أَحَدٍ) افاده عموم می‌کند و این قاعده در همه جا صادق است؛ پس با استناد به این اصل پذیرفته شده، این تحلیل - که «لا نفرق» منفی بوده و پیش از نکره (أحد) آمده‌است، پس عموم را افاده می‌کند - بدیهی می‌نماید و با لحاظ کردن وجوب اضافه بین به متعدد، این تحلیل قوت مضاعفی می‌یابد. در این قبیل آیات اکثر قریب به اتفاق مترجمان قرآن‌کریم، ترجمه‌ای شیوا و معتبر ارائه نموده‌اند.

بررسی‌ها نشان می‌دهد برداشت معنای «یک» از واژه «أحد» مر بوط به بافت زبانی است، زیرا با وجود واژه «أحد» با توجه به چگونگی کاربرد آن در ساخت‌های متفاوت، معنا و مفهوم عبارت متغیر می‌گردد؛ در صورتی که دریافت معنای «هیچ» که دارای بار معنایی تأکید است، مربوط به بافت موقعیت و رابطه مؤثر اجزای جمله می‌باشد، زیرا روابط معنایی دیگر واژگان ذکر شده در آیه موجب تغییر معنا و مفهوم «أحد» می‌شود؛ نتیجه سخن این که «لا نفرق» که منفی است و پیش از نکره (أحد) آمده‌است، عموم را افاده می‌کند؛ همچنین «بین» که نیازمند مضاف‌الیه بیش از یک نفر است، سبب دلالت «أحد» بر بیش از یک نفر اطلاق شده‌است؛ و «أحد» را باید بر حسب

به اثبات یک صفت دیگری که اکثراً ما «بین» دو صفت قبلی و حد اعتدال آنهاست می‌انجامد، به دیگر سخن این اسلوب موجب خروج «بین» از ظرف مکان و زمان بودن است و به نوعی «بین ذلک» را مختص دلالت بر حالت و ویژگی اعتدال و میانه‌بودن، می‌گرداند.

می‌توان استنتاج نمود که «بین + ذلک» در حکم مثنی است، اگر مسبوق به ۲ اسم معطوف باشد و سیاق نفی سابق داشته‌باشد؛ با این بیان به نظر می‌رسد دلالت «بین ذلک» در این دسته آیات به قرار زیر انسجام یافته‌است:

«إِنَّهَا بَقْرَةٌ لَّا فَارِضٌ وَلَا بَكْرٌ عَوَانٌ بَيْنَ ذَلِكَ» (بقره: ۶۸) «بین ذلک» می‌توانست حمل بر مکان گردد، ولی با آوردن «عوان» ابهام برطرف گردیده و «بین» منحصرآ دلالت بر صفت، حالت و ویژگی میان فارض و بکر را می‌رساند.

«وَلَا تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافُ بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا» (اسراء: ۱۱۰) برخی مفسرین منظور را صلاة لیل و نهار دانسته‌اند و با ذکر سبیلا (وسطا صفت محذوف آن) بر حالت بین تجهر و تخافت تأکید می‌شود، نه زمان بین آنها.

«وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» (فرقان: ۶۷) «قوام» حالت بین «یسرفوا و یقتروا» است و ظرف «إذا» تأثیری بر دلالت آنها بر زمان ندارد.

در هر سه آیه، مخاطبان به نحوی از دو صفت متضاد که از نظر متکلم غیر قابل قبول است، نهی شده و به صفتی مقبول که میانه آن دو صفت است فرمان داده می‌شوند؛ با بررسی پیوندهای معنایی «بین + ذلک» با سایر واژه‌های هم‌حوزه بر محور جانیشینی و

موقعیت در مفهوم یاد شده به صورت منفی و نکره - که مفید عموم می‌باشد- ترجمه نمود.

۳-۲-۵- ساختار «بین + ذلک» در حکم مثنی

«بین» ظرفی است که معنایش جز با اضافه کردن آن به دو مورد و بیش‌تر از دو، یا آنچه در جای آنها واقع شود، آشکار نمی‌گردد: «بَيْنَ ظَرْفٍ مُّبْهَمٍ لَّا يَتَبَيَّنُ مَعْنَاهُ إِلَّا بِإِضَافَتِهِ إِلَى أَثْنَيْنِ فَصَاعِدًا أَوْ مَا يَقُومُ مَقَامَ ذَلِكَ» (فیومی، ۱۳۶۴، ۲: ۷۰)؛ اما در ادبیات عرب دلالت «ذلک» بر معنای مثنی، امری رایج است دقیقاً عین همین عبارت که در آن «ذلک» به «أَثْنَيْنِ فَصَاعِدًا» اشاره دارد و نیز مانند این شعر: «إِن لِلْخَيْرِ وَاللِّشْرِ مَدَى وَ كَلَا ذَلِكُ وَجْهٌ وَ قَبْلُ» (ابن عقیل، ۱۴۲۷ق. ج ۲، ص ۶۰)؛ خوبی و بدی نهایی دارند که بدان منتهی می‌شوند، و هر یک از آن دو را جهت و حجتی واضح است. که منظور از «کلا ذلک» هر دوی آنها (خوبی و بدی) بوده، و علی‌رغم این که «ذلک» در حالت کلی بر مفرد دلالت دارد، در این شعر از آن اراده مثنی شده است؛ «أرادوا کلا ذینک، فأطلق المفرد و أراد به المثنی» (ابو حیان اندلسی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۴۰۷)؛ نیز در پاره‌ای آیات قرآن که با ساختارهای متفاوتی ذکر شده، دلالت «ذلک» بر مفرد هویدا است.

۳-۳. ساختارهای جدید کاربرد «بین ذلک» در معنای اعتدال

با اندک دقتی مشخص می‌گردد ساختار برخی جملات قرآن، مقدم داشتن دو صفت منفی متضاد و سپس آوردن «بین ذلک» پس از آن است. «بین» پس از این نوع تکرار صفات منفی آمده است، چون این تکرار اصولاً مستلزم نفی دو صفت متضاد می‌باشد، و

بلکه به معنای «مردد» است. پس شاید بتوان گفت: در الگوی سابق (۴-۳) با نفی کامل دو صفت مذموم، نهایتاً صفت مورد پذیرشی به دست می‌آید که در آن حالت تلفیق بین ویژگی‌هایی از دو طرف نفی شده، به چشم می‌خورد، ولی در این ساختار حالت بینابین (مذبذبین) مذموم دانسته شده و ثبات در طریق مستقیم سفارش می‌شود؛ لذا این آیه بر اساس حالات روحی انسان‌ها و ماهیت ایمانی، در آن صفت مقدم، ویژگی‌های آن دو صفت مؤخر را مشاهده نمی‌کند، زیرا ایمان حالت بینابین ندارد، یا کفر محض یا ایمان محض است.

در نتیجه می‌توان دریافت که در این گونه ساختارهای قرآنی بین + ذلک در حکم مثنی است اگر مسبوق به دو اسم معطوف باشد و رایحه نفی لاحق از آن برخیزد:

حالت مابین صفات مؤخر + بین ذلک + نفی دو صفت متضاد واجب التکرار بینابین

۳-۵. ساخت‌های جدید کاربرد «بین ذلک» در

معنای زمان حدفاصل گذشته و آینده

«معطوف علیه مثبت + معطوف مثبت + بین ذلک معطوف بر آن دو»:

«لَهُ مَا بَيْنَ أَيْدِينَا وَمَا خَلْفَنَا وَمَا بَيْنَ ذَلِكَ» (مریم: ۶۴)؛ آنچه پیش روی ما، و پشت سر ما، و آنچه میان این دو می‌باشد، همه از آن اوست.

از آن‌جا که بین آیدی و خلف بیانگر زمان هستند و آیه از تأخیر در نزول وحی و اذن آن در زمانی که اراده خداوند قرار بگیرد، سخن می‌گوید، واضح است که «ذلک» «بین» را مختص دلالت بر زمان می‌کند، و برای همین نیز برخلاف ساختارهای پیشین، از ذکر

هم‌نشینی در این سه آیه متوجه می‌شویم که اسلوب حاکم بر این آیات نفی دو صفت متضاد و سپس آوردن «بین ذلک» به معنای حد وسط یا ما بین آن‌ها است و این پیوندها سبب گردیده تا «بین + ذلک» کاملاً تحت تأثیر کلمات مجاور در مجموعه‌ای نظام مند قرار گیرد؛ معنای میانه‌روی و اعتدال را بیان کند:

نفی دو صفت متضاد واجب التکرار مقدم + حالت بینابین صفات یاد شده + بین ذلک اعتدال

در واقع پیوند معنایی عمیق «بین + ذلک» با سایر واژه‌های هم‌حوزه حاکی از این است که می‌توان «بین ذلک» را اصطلاحی تأکیدکننده برای «اعتدال و حد وسط» دانست؛ زیرا «عَوَانٌ» در «عَوَانٌ بَيْنَ ذَلِكَ»؛ و «قَوَامًا» در «بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا»؛ هر دو خود به معنای «میانه و وسط» است و در «بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا» نیز بطور مشخص صفت «وسط یا معتدلاً» محذوف است.

۳-۴. ساخت‌های جدید کاربرد «بین ذلک» در

معنای تردید

ساختار دیگری که در آیات قرآن به چشم می‌خورد نفی دو صفت متضاد واجب التکرار به صورت مؤخر از «بین ذلک» است که از آن نیز دلالت بر مثنی حاصل می‌شود: «مُذَبِّذِينَ بَيْنَ ذَلِكَ لَا إِلَى هُوَءٍ وَلَا إِلَى هُوَءٍ» (نساء: ۱۴۳) آیه حاکی از شک و تردید منافقین بین دو راه حق و باطل است. «إلی» بیان‌گر انتهای غایت مکانی است (ابن عقیل، ۱۹۷۲م، ج ۲، ص ۱۷)، و ذکر «مذبذبین» دلالت «بین» را مختص حالت و صفت منافقین می‌کند، نه جا و مکان آن‌ها.

«بین ذلک» در این ساختار حالت توسط بین دو انتخاب است، ضمن این‌که به معنای «معتدل» نیست،

اقوام است یا بر احوال فسادآمیز این اقوام، ولی تأکید «عوان و قوام و سبیل (با صفت محذوف و سطا) و مذبذبین (مردم نه معتدل)» بر صفت و حالت است که مبدا با مکان و زمان التباس پیش‌آید.

نتیجه

علی‌رغم ادعای پیشینیان بر عدم دلالت «بین» بر زمان در قرآن، برخی ساخت‌های هم‌نشینی دلالت «بین» بر زمان را در قرآن با استناد به چند آیه اثبات می‌کند. «بین» به صورت ظرف به معنای میان و وسط و نیز به صورت اسم به کار می‌رود که در این حالت دو معنای متضاد وصل و فصل را دارد، ولی هر دو معنا نهایتاً بر وضوح دلالت دارند. مضاف‌الیه واقع شدن «بین» معنای وصل ایجاد می‌کند؛ همچنان‌که «بین» در کنار فعل معلوم و فاعل مرفوع آن، ظرف منصوب و مبنی و غیرمتصرف شده و با مرفوع شدن در کنار فعل، در نقش فاعل یا نایب‌فاعل قرار گرفته، معرب و متصرف می‌شود.

مهم‌ترین ویژگی مضاف‌الیه «بین» دلالت بر بیش از یک نفر (مثنی یا بیش‌تر) است، حتی اگر لفظ به صورت مفرد ذکر شود؛ در آیات قرآن این شیوه استعمال در دو شکل تبلور یافته است: «بین + أحد» و «بین + ذلک»؛ که در این شیوه استعمال «ذلک» نه بر مفرد که بر متعدد دلالت دارد. یکی از دستاوردهای این پژوهش، اثبات دلالت «بین ذلک» بر ویژگی اعتدال و حالتی بینابین میان دو صفت متضاد است، همچنان‌که «بین أحد» به دلیل قرار گرفتن نکره در سیاق نفی، بر عموم و متعدد دلالت دارد و نه بر مفرد؛ و به صورت «هیچ‌یکیا هیچ‌کدام» ترجمه می‌گردد.

واژه‌ای دال بر حالت بینابین (همان‌طور که در آیات قبلی‌شماره گردید) اعراض شده است، و «بین ذلک» خود به تنهایی بر میانه دو زمان گذشته و آینده دلالت دارد.

هرگاه دو صفت متضاد را به صورت مقدم ذکر نمایند و سپس «بین ذلک» را بر آن معطوف نمایند، مثنی بودن را می‌رساند؛ به دیگر تعبیر بین + ذلک در حکم مثنی است، اگر مسبوق به دو اسم معطوف باشد.

دو صفت متضاد + بین ذلک توسط

۳-۶. ساخت‌های جدید کاربرد «بین ذلک» در

معنای زمان حدفاصل زمان‌های گذشته

«چند اسم معطوف + بین ذلک»:

چنانچه بین + ذلک مسبوق به چند اسم معطوف باشد و همگی مبینیک امر باشند «ذلک» در حکم جمع قلمداد می‌شود: «وَعَادًا وَتَمُودَ وَأَصْحَابَ الرَّسِّ وَقُرُونًا بَيْنَ ذَلِكِ كَثِيرًا» (فرقان: ۳۸) مشارالیه «ذلک» در این آیه اقوام یاد شده است و ذلک مفرد معنای اولئک جمع دارد. که مسلم است که مقصود آیه از «وَقُرُونًا بَيْنَ ذَلِكِ» اقوامی است که در زمان‌های ما بین این اقوام یادشدها احوال فسادگونه بین احوال اقوام یادشده زندگی کرده‌اند.

در آیات بررسی شده از تفاوت در شیوه استعمال «بین ذلک» این مفهوم تلقی می‌شود که «بین» فقط بر زمان یا مکان دلالت ندارد؛ حقیقت این است که «بین» یا بر مکان یا زمان یا صفت و حالت دلالت دارد؛ در «وَعَادًا وَتَمُودَ وَأَصْحَابَ الرَّسِّ وَقُرُونًا بَيْنَ ذَلِكِ كَثِيرًا» (فرقان: ۳۸) تأکید «قرونا» یا بر زمان بین این

۲. ابن عقیل، عبدالله (۱۹۷۲م)، شرح ابن عقیل علی ألفیه ابن مالک، بیروت: دار الفکر.
۳. ابن عاشور، محمد بن طاهر. (بی تا) التحریر و التنویر. بی جا
۴. ابن فارس، احمد (۱۹۹۱م)، معجم مقایس اللغه. تحقیق: عبدالسلام هارون. بیروت: دار الجیل.
۵. ابن قتیبه عبدالله بن مسلم (بی تا) غریب القرآن ابن قتیبه. قاهره، المکتبه العلمیه
۶. ابن منظور، عبدالله (۱۴۰۸ق)، لسان العرب. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۷. ابو حیان اندلسی، محمد بن یوسف (۱۴۲۰ق)، البحر المحیط فی التفسیر. بیروت: دار الفکر.
۸. احمدی، بابک (۱۳۸۰)، از نشانه های تصویری تا متن، تهران: نشر مرکز، چاپ هشتم.
۹. ایزوتسو، توشی هیکو (۱۳۶۰)، ساختمان مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن. ترجمه فریدون بدره ای، تهران، قلم.
۱۰. برکات، حمدی أبوعلی محمد (۱۹۹۲=۲۰۰۰م)، دراسات فی الأدب. عمان - الأردن: دار وائل.
۱۱. رازی، ابوالفتوح حسین بن علی (۱۳۷۱)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن. تصحیح: محمدجعفر یاحقی و مهدی ناصح. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (بی تا)، معجم مفردات ألفاظ القرآن. بیروت: دار الفکر.
۱۳. زجاج، ابراهیم ابن السری (۱۹۹۸م)، معانی القرآن و اعرابه. بیروت: عالم الکتب.
۱۴. زمخشری، جارالله محمود بن عمر (۱۴۱۴ق)، تفسیر الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقاول، قم: مکتب الإعلام الإسلامی.

بررسی پیوندهای معنایی «بین» با سایر واژه‌های هم‌حوزه بر محور جانشینی با واژگانی چون «خلال» و «وسَط» و «وسَط»، حاکی از پیوند معنایی عمیق «بین» با واژه «وسَط» با سکون «سین» است. حاصل این که در این رابطه جانشینی هر جا که بتوان از بین به عنوان ظرف استفاده نمود از وسط (با سکون سین) نیز می‌توان بهره جست و هردو به یک معنا و کاربرد هستند، لکن مفتوح بودن «سین» وسط معنای اعتدال و حد وسط دارد و از ظرفیت خارج است.

از مهم‌ترین واژه‌هایی که در محور هم‌نشینی «بین» قرار می‌گیرد، «بین‌یدی» می‌باشد که با توجه به هم‌نشینی با جهات یا زمان یا واژه‌ای از ریشه تصدیق، معانی متفاوتی به خود می‌گیرد؛ هم‌چنین واژگان هم‌نشین با این واژه مفهوم را به این شیوه روشن می‌سازد که در قرآن کریم اگر این واژه «بین‌یدی» یا «بین‌ایدی»، با جهات شش‌گانه مخصوصاً «خلف» تقابل پیدا کرد، بر جهت مشخصی دلالت می‌کند؛ و اگر با «تصدیق» همراه گردید، مشخصاً بر کتاب‌های الهی و بر رسولان پیشین دلالت دارد، از این رو ترجمه آن به «پیش رو»، «زمان قبل» یا «کتب و رسولان پیشین» در فارسی منطقی و مصطلح می‌نماید. «ذات البین» اصطلاحی برای روابط میان افراد قلمداد می‌شود و در معنای محدودتر اختلاف و فساد روابط را اشاره دارد، گرچه گاهی تأثیر متقابل واژه‌های محور هم‌نشینی سبب انتقال معنی واژه‌ها به همدیگر و حذف برخی از آن‌ها شده و این اصطلاح بدون (ذات) نیز همین کاربرد را می‌یابد.

منابع

۱. قرآن کریم.

۱۵. سوراآبادی، عتیق بن محمد (۱۳۳۸) تفسیر سور آبادی (برگزیده ترجمه و قصه های قرآن از روی نسخه موقوفه بر تربت شیخ جام مبتنی بر تفسیر ابوبکر عتیق نیشابوری)، به سعی و اهتمام یحیی مهدوی و مهدی بیانی، تهران: نشر دانشگاه تهران.
۱۶. سیوطی، جلال الدین عبد الرحمن بن ابی بکر (۱۳۲۷)، *مجمع الهوامع شرح جمع الجوامع، دار المعرفة للطباعة و النشر، بیروت، چاپ دوم.*
۱۷. سیوطی، جلال الدین عبد الرحمن و محلی جلال الدین محمد احمد (۲۰۰۴م)، *تفسیر جلالین، بیروت: دار الفکر، چاپ دوم.*
۱۸. صفوی، کورش (۱۳۸۳)، *درآمدی بر معنی‌شناسی، تهران: سوره مهر (حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی).*
۱۹. طباطبائی، محمدحسین (بی‌تا)، *ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم: چاپ فرهنگ.*
۲۰. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم.*
۲۱. طریحی، فخر الدین (۱۳۷۵)، *مجمع البحرین، تهران: کتابفروشی مرتضوی، چاپ سوم.*
۲۲. عمر، احمد مختار (۱۳۸۶)، *معناشناسی، ترجمه: سیدحسن سیدی، دانشگاه فردوسی مشهد، چاپ دوم.*
۲۳. غرناطی، محمد بن احمد ابن جزی (۱۴۱۶ ق)، *التسهیل لعلوم التنزیل، بیروت: شرکت دار الارقم بن ابی الارقم.*
۲۴. فراء، یحیی بن زیاد (۱۹۸۳م)، *معانی القرآن، بیروت: عالم الکتب، چاپ سوم.*
۲۵. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق)، *کتاب العین، قم: انتشارات هجرت، چاپ دوم.*
۲۶. فیومی، احمد بن محمد (۱۳۶۴)، *المصباح المنیر، قم، دارالهجره.*
۲۷. قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۱)، *قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الإسلامیة، چاپ ششم.*
۲۸. قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۷)، *تفسیر احسن الحدیث، تهران: بنیاد بعثت، چاپ سوم.*
۲۹. قطب، سید (۱۳۵۹)، *تصویر فنی: نمایش هنری در قرآن، ترجمه محمد علی عابدی، مرکز نشر انقلاب، همیار پخش انتشارات دانشمند.*
۳۰. قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا (۱۳۶۸ش)، *کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.*
۳۱. کاشانی ملا فتح الله (۱۴۲۳ ق)، *زبدۀ التفاسیر، قم: بنیاد معارف اسلامی.*
۳۲. لطفی پور ساعدی، کاظم و عباسعلی رضایی (۱۳۷۳)، *مجموعه مقالات دومین کنفرانس بررسی مسائل ترجمه، تبریز: دانشگاه تبریز.*
۳۳. محمدپور، احمد (۱۳۹۰)، *ضد روش ۲، تهران: جامعه شناسان.*
۳۴. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.*
۳۵. معرفت، محمدهادی، و خیاط و نصیری (۱۳۷۹)، *تفسیر و مفسران (روش‌ها و گرایش‌های تفسیری)، قم: مؤسسه فرهنگی التمهید.*

۳۶. نیشابوری، نظام‌الدین حسن بن محمد (۱۴۱۶ق)،
تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، بیروت:
دار الکتب العلمیه.
- هویدی بغدادی محمد (بی‌تا)، التفسیر المعین
للواعظین و المتعظین، قم: انتشارات ذوی القربی.

